

ام البنین جلوداری\*

سیده رقیه حسنی چنار\*\*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۸/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۰/۱۵

چکیده

در این مقاله پدیده ایران هراسی و تاریخچه شکل گیری آن و تاثیر این مسئله بر رابطه ایران و کشورهای خاورمیانه مورد بررسی قرار گرفته و در ادامه راهایی برای مقابله با این پدیده پیشنهاد می شود. تاریخچه این موضوع به سالها قبل یعنی زمان حضور قدرت های استعماری به خصوص انگلیس در منطقه خاورمیانه مربوط می شود. به تدریج با افزایش اهمیت این منطقه به دلیل وجود ذخایر عظیم نفت و گاز، قدرت مسلط در هر دوره ای تلاش کرده تا بر این منطقه مسلط شده و از حضور قدرت دیگر چه منطقه ای و چه جهانی در این منطقه جلوگیری کند و چون ایران به دلیل دارا بودن ظرفیت های یک هژمون منطقه ای یکی از مهم ترین کاندیداها محسوب می شود، استدلال این مقاله این است که باید به هر بهانه ای از قدرت یابی ایران جلوگیری کرد و سیاست ایران هراسی نیز در همین راستاست. در ادامه رابطه ایران و عمان را به عنوان دو کشور دوست در منطقه و دلایل این دوستی را بررسی می کنیم. سپس با توجه به الگوی رابطه بین ایران و عمان، پیشنهاداتی راجع به اینکه چگونه می توان در منطقه تنش زدایی نموده و با پدیده ایران هراسی مقابله کرد، بیان می شود.

واژگان کلیدی: ایران، عمان، ایران هراسی، قدرت های بزرگ، میانجیگری

\* دانش آموخته مطالعات خاورمیانه دانشگاه علامه طباطبایی

\*\* دانش آموخته مطالعات خاورمیانه دانشگاه علامه طباطبایی

فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال بیست و سوم، شماره اول، بهار ۱۳۹۵، صص ۱۷۲ - ۱۵۵.

## مقدمه

قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، ایران از متحدین آمریکا و غرب و طبق رهنامه دو ستون نیکسون به‌عنوان ژاندارم آمریکا در منطقه خلیج فارس در مقابله با کمونیسم به حساب می‌آمد. بعد از انقلاب این معادله به‌هم خورد و ایران با ایدئولوژی انقلابی و شعار نه شرقی، نه غربی در عرصه سیاست بین‌الملل ظهور پیدا کرد. جهت‌گیری ایران در سیاست خارجی خود در جهت مقابله با هر دو قطب شرق و غرب بود. از طرفی از دست دادن متحد نظامی در منطقه و همچنین یک منبع انرژی ارزان خوشایند آمریکا نبود. پس از آن به‌دنبال تسخیر سفارت آمریکا در ایران توسط دانشجویان، تنش بین ایران و آمریکا به اوج خود رسید که تا به امروز ادامه دارد.

از طرفی دولت‌های منطقه در خاورمیانه و خلیج فارس که اغلب حکومت‌هایی اقتدارگرا و پادشاهی بودند، با طرح مباحثی مانند صدور انقلاب از جانب ایران احساس نگرانی کردند. به‌دنبال آن و با شروع جنگ هشت‌ساله عراق علیه ایران این تنش‌ها جدی‌تر شد و بیشتر کشورهای عرب با کمک‌های همه‌جانبه به عراق درصدد مقابله با ایران برآمدند که عده‌ای این دوره را موج اول ایران‌هراسی در منطقه می‌دانند. البته پیشینه ایران‌هراسی به سال‌ها قبل یعنی زمان حضور دولت‌های استعمارگر همچون دولت انگلیس در منطقه، باز می‌گردد.

از سال ۵۵۹ قبل از میلاد و با تشکیل امپراتوری هخامنشی در ایران توسط کوروش کبیر، خلیج فارس دریاچه داخلی ایران به حساب می‌آمد که نظم و قانون ایرانی بر آن حکم‌فرما بود. اما از زمان حضور پرتغالی‌ها در ۱۵۰۷ به خلیج فارس به‌تدریج شاهد حضور دیگر دولت‌های استعمارگر اروپایی در منطقه و خدشه‌دار شدن نظم و قانون ایرانی هستیم. اوج این مسئله حضور انگلیس از اوایل قرن نوزدهم است که با حذف رقبای استعماری خود مثل فرانسه در جنگ‌های هفت‌ساله و جنگ‌های ناپلئونی و با استفاده از ضعف دولت مرکزی ایران، درصدد برآمد حاکمیت انحصاری خود را بر خلیج فارس بگستراند. در این زمان خلیج فارس علاوه بر اینکه چهارراه ارتباطی دنیا بود، برای انگلیس به‌دلیل نزدیکی به هند برای حفاظت از مهم‌ترین مستعمره‌اش اهمیت حیاتی داشت؛ چون خلیج فارس به‌عنوان کوتاه‌ترین راه دسترسی به هندوستان مورد طمع قدرت‌های سلطه‌طلب و رقیب انگلیس بود. تا آن زمان اهمیت خلیج فارس بیشتر از نظر تجاری و ارتباطی بود و کشوری که بر این

منطقه مسلط می‌شد، انحصار تجارت بین شرق و غرب را به دست می‌آورد. (طباطبایی، ۱۳۹۲)

اما به دنبال کشف نفت در ۱۹۰۲ بر اهمیت خلیج فارس به عنوان منبع عظیم انرژی افزوده شد. حدود ۶۵٪ از ذخایر شناخته شده نفت دنیا و ۳۰٪ درصد از ذخایر شناخته شده گاز دنیا در منطقه خلیج فارس قرار دارد. (جعفری ولدانی، ۱۳۸۴: ۴۹) بدین ترتیب در جریان رقابت‌های استعماری، قدرت‌های بزرگ در صدد تسلط بر این منطقه بوده‌اند. در جهت رسیدن به این هدف آنها همیشه تلاش کرده‌اند از ظهور یک قدرت و هژمون منطقه‌ای در این منطقه جلوگیری کنند. ایران با موقعیت ویژه ژئوپولیتیکی و توان بالقوه از کاندیداهای هژمون شدن در منطقه است. بنابراین مسئله ایران‌هراسی از همان زمان شروع شده و تاکنون به بهانه‌های مختلف ادامه دارد.

بررسی این مسئله و تأثیری که در روابط ایران با کشورهای منطقه دارد، بسیار مهم است. چون دولت‌ها نه تنها در ساختار نظام بین‌المللی، بلکه در ساختار نظام منطقه‌ای ناگزیر از ارتباط با هم هستند و تنش‌ها و چالش‌های بین دولت‌ها هزینه‌های زیادی را بر آنها تحمیل می‌کند. در مقابل روابط مبتنی بر اعتماد متقابل و همراهی تأثیر زیادی در تأمین امنیت و منافع ملی هر کدام از کشورها دارد. اصولاً در جو بی‌اعتمادی و تنش هیچ‌گونه همکاری میسر نمی‌شود. ایران‌هراسی سبب شده که روابط ایران و کشورهای این منطقه چندان دوستانه نباشد و با تبلیغات سوپی که علیه ایران می‌شود، زمینه‌های همکاری بین ایران و این کشورها فراهم نشود. در حوزه خاورمیانه و خلیج فارس همکاری کشورهای منطقه می‌تواند نقش موثری در تأمین امنیت داشته باشد و این امر به تدریج بهانه را از قدرت‌های سلطه‌طلب جهت حضور در این منطقه می‌گیرد.

پیرامون مسئله ایران‌هراسی و روابط ایران و عمان البته به‌طور مجزا مطالب فراوانی گفته و نوشته شده است.

در رابطه با پیشینه پژوهش کتاب‌هایی مانند *سیاست خارجی ایران در دوره پهلوی* نوشته عبدالرضا هوشنگ مهدوی، *روابط خارجی ایران از ۱۳۵۷ - ۱۳۲۰* نوشته علیرضا ازغندی و *کشورها و مرزها در منطقه ژئوپولیتیک خلیج فارس* اثر پیروز مجتهدزاده، رابطه ایران و عمان را با محوریت جنبش ظفار مورد بررسی قرار داده‌اند. بررسی موضوع ایران‌هراسی همواره حول محور چیستی و اهداف آن بوده است. محسن شریعتی‌نیا در مقاله «ایران‌هراسی: دلایل و پیامدها»، دلایل این

پدیده و پیامدهای آن بر موقعیت بین‌المللی ایران را مورد بررسی قرار داده که موجب شکل‌گیری ائتلاف‌هایی با محوریت آمریکا برای محدود کردن ایران شده است.

در این مقاله تلاش می‌کنیم راه‌کارهای عملی با توجه به الگوی رابطه ایران و عمان برای مقابله با ایران‌هراسی در منطقه را مورد بررسی قرار دهیم. با توجه به روابط مناسبی که بین ایران و عمان برقرار است، تلاش می‌کنیم به این پرسش پاسخ دهیم که چگونه می‌توان با استفاده از تجربه روابط دوستانه بین ایران و عمان به بهبود رابطه با کشورهای دیگر پرداخت؟ از آنجا که دو کشور در محدوده خلیج فارس واقع شده‌اند، هدف ما بیشتر بررسی روابط ایران با کشورهای این منطقه است. سعی می‌کنیم به این سوال پاسخ دهیم که چگونه و با تاکید بر چه عواملی می‌توان با این معضل مقابله و با گسترش روابط و همکاری‌های دوجانبه و چندجانبه در جهت تامین امنیت منطقه گام برداشت؟ موقعیت ویژه همسایگی دو کشور ایران و عمان و هوشمندی دولت‌های دو کشور مانع از اثرگذاری عمیق ایران‌هراسی در روابط دو دولت شده که می‌تواند الگویی برای روابط دیگر کشورهای منطقه باشد.

### ایران‌هراسی از گذشته تا حال

در طی سالیان و از زمان تشکیل امپراتوری هخامنشی در ایران، از آنجا که ایرانیان به اهمیت دریاها و تنگه‌های مهم پی‌برده بودند، تلاش زیادی جهت کنترل این مناطق به‌خصوص تنگه هرمز داشتند و به‌مدت چندین قرن خلیج‌فارس دریاچه داخلی ایران به‌حساب می‌آمد تا اینکه با گسترش رقابت‌های استعماری بین قدرت‌های اروپایی شاهد حضور آنها در دیگر مناطق دنیا به‌خصوص تنگه‌ها و آبراه‌های مهم دنیا جهت کنترل تجارت دریایی هستیم. خلیج‌فارس در ۱۵۰۷ شاهد حضور استعمارگران پرتغالی است که حضور آنها به مدت صد سال طول می‌کشد. مسئله‌ای که در این زمان قابل توجه است، رشد و توسعه نیروی دریایی این کشورهاست. در مقابل شاهد ضعف و ناتوانی نیروی دریایی ایران هستیم. همین مسئله باعث می‌شد ایران نتواند اقدام جدی در مقابل نفوذ بیگانگان در منطقه انجام دهد.

مشکل اصلی در این منطقه هم‌زمان با حضور انگلیس شکل می‌گیرد. سیاست انگلیس برای

اینکه بتواند در منطقه بماند تا از این طریق هم تجارت شرق و غرب را در اختیار داشته باشد و هم از مهم‌ترین مستعمره‌اش هند محافظت کند، سیاست "تفرقه بینداز و حکومت کن" بود. انگلیس که آن موقع بزرگ‌ترین قدرت دریایی را در اختیار داشت، ناوگان دریایی خود را رهسپار خلیج فارس کرد. انگلیس دلایل حضور نیروی دریایی خود در منطقه را مبارزه با برده‌داری، قاچاق اسلحه و حفاظت از خطوط تلگراف خود برای اطلاع از اوضاع هند می‌دانست. ایران به دلیل سال‌ها جنگ با امپراتوری عثمانی و بعدها روسیه تزاری که هر دو جنگ‌های زمینی بودند، توجه چندانی به توسعه نیروی دریایی خود نداشت. همچنین حکومت مرکزی در ایران به شدت ضعیف شده بود. در قرن هجده چهار سلسله در ایران عوض شد؛ صفویه، افشار، زند و قاجار. همین مسئله فرصتی را برای انگلیس فراهم آورد تا بتواند زمینه را برای حضور دائمی خود در منطقه خلیج فارس فراهم کند. انگلیس از طریق امضای قراردادهایی با شیوخ خلیج فارس که تا قبل از آن خراج‌گذار حکومت ایران بودند، ابتدا سعی کرد به آنها هویت مستقلی بدهد و بعد با امضای قراردادهایی آنها را تحت‌الحمایه خود کند. انگلیس به شدت سعی می‌کرد تا از ارتباط این شیوخ با ایران جلوگیری کند. نگاهی به محتوای این قراردادها نشان می‌دهد که انگلیس تلاش کرده تا این شیوخ با هم متحد شوند و وزنه‌ای را در مقابل ایران ایجاد کنند. اینگونه بود که انگلیس تلاش کرد وحدت سیاسی خلیج فارس را برای همیشه از میان ببرد. سیاست ایران‌هراسی از همین زمان شکل گرفت تا این شیوخ ایران را دوست خود ندانند و گرایشی به سمت ایران نداشته باشند. انگلیس از قدرت‌یابی مجدد ایران می‌ترسید. ایران مالک و صاحب نام خلیج فارس بود و در صورت قدرت‌یابی می‌توانست حضور انگلیس در منطقه را به‌چالش بکشد. به دلیل اهمیت هند برای انگلیس و اینکه ایران همسایه هند بود، انگلیس نگران این بود که رقبای اروپایی آن از طریق اتحاد با ایران به هند حمله کنند. بر همین اساس سعی کرد در منطقه ایران‌زدایی کرده و جزایر ایرانی را به نام شیوخ عرب تصرف کند. همچنین روابط میان شیوخ ساحلی جنوب خلیج فارس با ایران را تضعیف کرده و از میان بردارد و از ایجاد یک نیروی دریایی قوی توسط ایران جلوگیری کند. (طباطبایی، ۱۳۹۲)

بعد از کشف نفت خلیج فارس، علاوه بر اهمیت‌های سابق هم‌اکنون به‌عنوان منبع انرژی نیز به حساب می‌آید. در جنگ جهانی اول بود که توجه کشورها بیشتر به نفت معطوف شد. چرچیل

وزیر دریاداری انگلیس سوخت کشتی‌های جنگی را از زغال‌سنگ به نفت تغییر داد که در نتیجه هم سرعت کشتی‌ها در تعقیب و گریز بیشتر می‌شد و هم مجبور نبودند حجم بیشتر کشتی را به نگه‌داری زغال‌سنگ تخصیص دهند. مهم‌تر اینکه انگلیس این نفت را با هزینه بسیار کم از چاه‌های نفت ایران تامین می‌کرد. این تحول عمده‌ای بود که در نیروی دریایی انگلیس رخ داد و عده‌ای عامل پیروزی متفقین را همین امر می‌دانند.

پس از این که دنیا دو جنگ بزرگ اول و دوم را به محوریت اروپا پشت سر گذاشت، انگلیس به دلیل درگیری مستقیم در جنگ خسارات زیادی دید و از قدرت اول جهانی افول کرد. در این دوره شاهد حضور آمریکا هستیم که به دلیل دوری از میدان‌های جنگ خسارات زیادی ندید و با پیشرفت‌هایی که در عرصه صنعتی، اقتصادی و نظامی داشت، به‌عنوان قدرت اول جهانی ظهور کرد. پس از جنگ جهانی دوم و با توجه به حوادث و پیامدهای جنگ، آمریکا همواره سه هدف را در خاورمیانه دنبال کرده است؛ حفظ وضعیت موجود قلمروهای کشورها بر اساس مرزهای سال ۱۹۴۸ (که هدف از این امر حمایت از اسرائیل، متحد استراتژیک آمریکا در منطقه است)؛ فراهم آوردن دسترسی نسبتاً سریع و آسان به منابع وسیع نفت منطقه؛ و مهار تهدیدی که از سوی رقبای منطقه‌ای یا جهانی متوجه منافع آمریکا می‌شود. (کامروا، ۱۳۹۱: ۲۴۰) برای رسیدن به این اهداف آمریکا باید قدرت برتر منطقه باشد و اجازه ندهد هیچ کشوری در این منطقه به‌عنوان قدرت منطقه‌ای ظهور کند، و البته ایران کشوری با پیشینه تمدنی چند هزار ساله، وسعت زیاد، جمعیتی درخور و شایسته و توان نظامی از کشورهایایی است که استعداد هژمون شدن را داراست.

در این زمان است که آمریکا تلاش جدی برای مقابله با ایران را پی می‌گیرد و ایران‌هراسی با تاکید بر عناصر و مسائلی همچون ایرانیت، تشیع و انقلاب اسلامی در مقابل عربیت، تسنن و حکومت‌های پادشاهی و محافظه‌کار عرب پی‌گیری می‌شود. در این دوره رسانه‌های جمعی غرب و کشورهای متحد آنها در منطقه ابزاری اساسی در ایجاد ترس و وحشت از ایران هستند. در این تبلیغات این‌گونه القا می‌شود که ایران در حال توسعه نیروی دریایی و نظامی خود برای سلطه بر خلیج فارس است. اوج ایران‌هراسی در یک دهه گذشته و در اوج کشمکش‌های تهران و غرب بر سر پرونده هسته‌ای رخ داد. تلاش ایران برای دستیابی به فناوری هسته‌ای مهم‌ترین دلیل برای

گسترش ایران‌هراسی بوده است. بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی، در مهر ۱۳۹۱ در سخنرانی خود در سازمان ملل از یک بمب نقاشی شده برای نشان دادن خطر ایران در تولید سلاح‌های هسته‌ای استفاده کرد. در کنار تبلیغاتی که سعی می‌کند ایران را کشور برهم زنده نظم منطقه و صلح و ثبات جهانی معرفی کند، از دلایل دیگری نیز همچون اتهام نقض حقوق بشر و پشتیبانی از تروریسم نیز بارها در فرآیند ایران‌هراسی استفاده شده است و البته رسانه‌ها در دامن زدن به این پدیده در طی این سال‌ها نقش مهمی بازی کرده‌اند.

باید گفت نتیجه‌ای که از ایجاد جو وحشت علیه ایران عاید آمریکا می‌شود، بسیار قابل توجه است. آمریکا همچنان بهانه برای حضور نظامی در منطقه را دارد و از این طریق جریان صدور نفت و قیمت آن را کنترل می‌کند که هم در جهت منافع اقتصادی کشور آمریکاست و هم از این طریق رقبای خود را مهار می‌کند. علاوه بر آن، سیل درآمدهای کشورهای نفت‌خیز و ثروتمند حاشیه جنوبی خلیج فارس برای خرید سلاح به کشورهای غربی و آمریکا روانه می‌شود. آمریکا یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان و فروشندگان سلاح در دنیاست. در واقع چون این کشورها درآمدهای زیادی دارند، باید از ایران بترسند تا درآمد خود را صرف خرید سلاح کنند. البته به جز این اهداف، غرب هدف‌های راهبردی دیگری نیز از جریان ایران‌هراسی دنبال می‌کند؛ از جمله اینکه با ایجاد اختلاف بین ایران و همسایگان، باعث می‌شود کشورهای منطقه که دارای نقاط مشترکی هستند، هیچ‌وقت به وحدت و انسجام نرسیده و از پیشرفت و توسعه آنها جلوگیری به عمل آید.

### سلطان نشین عمان

عمان کشوری است پادشاهی در شرق شبه‌جزیره عربستان و پایتخت آن مسقط است. این کشور از جنوب با یمن و از غرب با عربستان سعودی و امارات متحده عربی همسایه است. همچنین دارای مرز دریایی در شمال با ایران است. (ویکی‌پدیا، ۱۳۹۳/۲/۲۳) تاریخ سیاسی عمان را می‌توان از نیمه اول قرن دوم هجری دانست که عده‌ای از خوارج پس از شکست در جنگ نهروان گریختند و وارد این سرزمین شدند. بر همین اساس عمان تنها کشور اباضی مذهب جهان است. اباضیون از سایر فرقه‌های خوارج معتدل‌تر بودند و برخلاف آنها کشتن مسلمانان را جایز نمی‌دانستند. (مجتهدزاده، ۱۳۸۲: ۱۵)

چنان که در مقدمه گفته شد، در چارچوب نظم و قانون ایرانی حاکم بر منطقه خلیج فارس، خلیج فارس دریاچه داخلی ایران بود. امرای هرمز یا خلیج فارس چه عرب چه فارس، همه خراج‌گذار پادشاه ایران بودند. از اوایل قرن هجده، شیخ مسقط به تحریک انگلیس خراج‌گذاری پادشاه ایران را کنار می‌گذارد. ایران درصدد مقابله با این امر بر می‌آید، اما به دلیل اینکه فاقد کشتی و نیروی دریایی قوی بود، نتوانست اقدامی انجام دهد. از همین زمان مسقط از ایران جدا و کم‌کم به شیخ‌نشین عمان تبدیل شد. بدین ترتیب اولین شکاف در نظم و قانون ایرانی با حمایت انگلیس رخ داد. بعد از این جریان عمان نسبت به برخی جزایر ایران مثل قشم و هرمز ادعای مالکیت داشت که از طرف انگلیس حمایت می‌شد. ولی در دوره قاجار طبق رسوم حکومت بسیاری از جزایر به عمان اجاره داده می‌شد. به دلیل بی‌کفایتی سیاسی و خوش‌گذرانی حاکمان ایالات جنوبی به راحتی این جزایر را اجاره می‌دادند و مبالغی بابت اجاره دریافت می‌کردند. (دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۴: ۹۷)

در سال‌های ۱۹۷۹-۱۹۷۰ روابط ایران و عمان دستخوش دگرگونی‌هایی شد. به دلیل مرگ سیدسعید حاکم عمان، حکومت این کشور رو به ضعف گذاشت و انگلستان سلطه خود را بر این کشور گسترش داد. به تدریج روابط ایران و عمان ضعیف و در دوره پهلوی که سلطه خود را بر تمام مناطق ایران گستراند و مرزها را کنترل کرد، قطع شد. تا سال ۱۹۷۰ هیچ رابطه‌ای بین ایران و عمان برقرار نبود تا اینکه به دنبال کودتای سلطان قابوس علیه پدر خود، ایران به دنبال آمریکا و انگلیس بلافاصله رژیم عمان را به رسمیت شناخت و پشتیبانی خود را از سلطان قابوس اعلام کرد. در شهریور ۱۳۵۰ دولت ایران طی یک اعلامیه رسمی استقرار روابط رسمی بین دو کشور را اعلام کرد. اولین سفیر ایران در فروردین ۱۳۵۱ (۱۹۷۲) در مسقط مستقر گردید.

طبق معاهدات و قراردادهای امضا شده بین ایران و عمان در قبل از انقلاب، دو کشور اعتقاد راسخ به همکاری‌های حاصل شده در همه زمینه‌ها به منظور حفظ ثبات و امنیت منطقه و آزادی کشتی‌رانی و عبور و مرور از تنگه هرمز و دریای مجاور را که برای هر دو کشور اهمیت حیاتی دارد، ابراز داشتند و اعلام کردند هرگونه اعمال نفوذ در این منطقه از طرف نیروهای خارجی را تقبیح می‌کنند و آن را منافی مصالح دو کشور می‌دانند. همچنین بیان شده است که دو کشور برای جلوگیری از هرگونه اخلال یا خراب‌کاری که امنیت دو کشور را به خطر اندازد، همکاری و اقدام



مشترک به عمل خواهند آورد. در موافقت‌نامه تحدید حدود فلات قاره هم خط منصف به‌عنوان مرز میان دو کشور مورد توافق قرار گرفت. (دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۴: ۹۹-۹۷) مسئله قابل ذکر و توجه در روابط دو کشور در این دوره جنبش ظفار است. در زمان حکومت سلطان سعید چون او مردی با افکار کهنه و ارتجاعی بود که با همه مظاهر تمدن جدید مخالفت می‌کرد، نارضایتی از چنین امری باعث بروز ناامنی‌هایی در سرتاسر عمان شده بود. از جمله جنبش ظفار که با اهداف تجزیه‌طلبانه و حمایت کمونیست‌ها در ۱۹۶۴ شروع شده بود، خطر کمونیسم کشور عمان را که با داشتن ۱۷۰۰ کیلومتر خطوط کرانه‌ای با خلیج فارس، تنگه هرمز، خلیج عدن و دریای عرب از موقعیت استراتژیکی برخوردار است، تهدید می‌کرد. این خطر با خروج انگلیس از منطقه و پایان دادن به تعهداتش در تامین امنیت این مناطق همراه شده بود. سلطان قابوس که در این شرایط نامساعد به قدرت رسیده بود، راه حفظ بقا و موجودیت کشور خود را در جلب حمایت خارجی دید. او ابتدا از دولت‌های عربی کمک خواست، ولی دولت‌هایی مثل لیبی، عراق و یمن از شورشیان حمایت می‌کردند و دولت‌های محافظه‌کار هم هرچند به شورشیان کمک نکردند، به قابوس هم کمک نکردند. ظفار پیشرفت به سوی تنگه هرمز و خلیج فارس را به‌عنوان هدفی تاکتیکی در نظر داشتند که باعث می‌شد این شورش از حالت محلی خارج شود و به یک بحران منطقه‌ای آن هم در منطقه ژئوپلیتیک خلیج فارس و تنگه هرمز تبدیل شود. وقتی دولت‌های عرب به سلطان قابوس کمک نکردند، او سعی کرد کمک و حمایت ایران را به‌دست آورد. با توجه به اهمیتی که خلیج فارس و تنگه هرمز در راهبردهای نظامی و فعالیت‌های اقتصادی ایران داشت، دولت ایران به درخواست کمک سلطان قابوس پاسخ مثبت داد. حضور ایران باعث شد عمان نتایج مثبتی در جبهه سیاسی و نظامی به دست آورد. در جبهه سیاسی به‌خصوص بعد از برقراری روابط ایران و پکن و بعد از توافق‌های ۱۹۷۵ بغداد، منجر به قطع مداخله چین و عراق در قضیه ظفار شد. در جبهه نظامی هم حضور ایران باعث دگرگونی صحنه‌های عملیاتی جنگ به سود عمان شد. (مجتهدزاده، ۱۳۸۲: ۱۸۹) کمک‌های ایران شامل پشتیبانی زمینی، هوایی و نظامی بود. در پایان سال ۱۹۷۴ طبق گزارش‌ها جمع نیروهای ایران در ظفار بین ۱۵۰۰ تا ۳۵۰۰ در حال افزایش بود. در ۱۹۷۵ به ۳۵۰۰ تا ۵۰۰۰ نفر رسید. هواپیماهای فانتوم اف-۵ ایران مرزهای یمن جنوبی را از

پایگاه خویش در تعاریت تحت گشت‌زنی قرار دادند و ناوشکن‌های ایرانی بخشی از ساحل ظفار را که هنوز تحت کنترل شورشیان بود بمباران کرد. (مجتهدزاده، ۱۳۸۲: ۱۳۹-۱۳۷) رژیم ایران در این درگیری حتی غذا و مایحتاج کارکنان و تدارکات و مخارج پشتیبانی مهمات مورد نیاز خود را از ایران و با هزینه خود تامین می‌کرد. همچنین پوشش هوایی عمان از لحاظ امنیتی نیز به‌عهده ایران بود و دو هواپیمای سی - ۱۳۰ ایران برای حمل و نقل وسایل مختلف در اختیار دولت عمان بود. علاوه بر این، آموزش نیروی دریایی و قسمتی از کادر تلویزیون عمان از طرف دولت ایران صورت می‌گرفت. (دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی: ۹۸) ایران در ظفار ۲۵ افسر و ۱۸۶ سرباز را از دست داد. (جعفری ولدانی، ۱۳۸۹: ۵۰)

پس از انقلاب حضور ایران در تنگه هرمز کاهش یافت. نیروهای ایرانی در عمان هرچند کاهش یافته بودند، تا زمانی که دولت موقت آنها را در ۱۹۷۹ به کشور فرا خواند، در عمان باقی ماندند. با شروع جنگ عراق علیه ایران حساسیت این تنگه برای دولت جدید ایران و ضرورت کنترل آن بهتر آشکار شد و واحدهای نظامی دوباره در بنادر و جزایر راهبردی دهانه خلیج فارس مستقر شدند. نیروی دریایی عمان هم تعدادی قایق گشتی برای گشت‌زنی سواحل طولانی این کشور در اختیار داشت. در ۱۹۸۴ سلطان قابوس از دیگر کشورهای شورای همکاری خلیج فارس خواست کمک مالی برای خرید بالگرد، مین جمع کن و دیگر تجهیزات و نیز ساخت پایگاه دریایی در جزایر گوات به‌منظور کنترل تنگه هرمز در اختیار او قرار دهند که به آن چندان توجهی نشد. به هر حال بعضی تغییر رژیم در ایران را باعث افزایش نقش عمان در تنگه هرمز می‌دانند. (مجتهدزاده، ۱۳۸۲: ۱۴۱)

### عمان و جنگ ایران و عراق

چند ماه پیش از جنگ ایران و عراق قیس‌الزواوی، وزیر وقت و مشاور در امور خارجی عمان، به‌طور ناگهانی به بغداد سفر کرد که بعد از این سفر حملات دو کشور علیه یکدیگر قطع شد. به‌دنبال آن روابط دو کشور که به دلیل حمایت بغداد از جبهه آزادی‌بخش ظفار خصمانه بود رو به بهبودی گذاشت. با آغاز جنگ عراق علیه ایران، دولت عمان بی‌طرفی خود را اعلام کرد. ولی رسانه‌های جمعی عمان هم‌سو با سایر کشورهای عرب منطقه و در حمایت از عراق عمل می‌کردند. هم‌زمان با

تغییر اوضاع جنگ به سود ایران و پس از آزادسازی خرمشهر دولت عمان مواضع خود را تعدیل کرد و حملات تبلیغاتی خود را کاهش داد و با حفظ بی‌طرفی سعی در جلب نظر مجدد جمهوری اسلامی ایران نمود. از سوی دیگر، هرچند عمان بیانیه‌های شورای همکاری خلیج فارس را تایید کرده است، اما تا اندازه‌ای سعی کرده مانع از تندروی‌های عربستان سعودی علیه ایران شود. مثلاً در اجلاس سران شورای همکاری خلیج فارس در نوامبر ۱۹۸۵ در مسقط، سلطان قابوس سعی کرد تا شورا از تایید مطلق مواضع عراق خودداری کند. در پایان اجلاس، به‌ظاهر به‌طور بی‌طرفانه از ایران و عراق خواست که به جنگ پایان دهند. این نوع موضع‌گیری برای اولین بار در طول اجلاس‌های سران رخ می‌داد. دلیل اتخاذ این سیاست از طرف عمان توجه به واقعیت‌های ژئوپلیتیکی بود؛ چون عمان به این مسئله واقف بود که بعد از پایان جنگ دو کشور ایران و عمان به دلیل موقعیت جغرافیایی ناگزیر از زیستن در کنار هم هستند. با توجه به این واقعیت بود که عمان سیاست معقول و منطقی و آشتی‌جویانه‌ای در مقابل ایران در پیش گرفت. (جعفری ولدانی، ۱۳۸۹: ۵۴-۵۳)

دوستی در روابط ایران و عمان ادامه یافت و روابط در بیشتر زمینه‌ها گسترش یافت و بعد از گذشت بیش از ۳۰ سال از انقلاب ایران، روابط ایران و عمان نمونه‌ای از تعامل دوستانه بین دو کشور در منطقه است که در بسیاری از زمینه‌ها نمود دارد. از جمله اینکه عمان به‌عنوان عضوی از شورای همکاری خلیج فارس همواره سعی کرده تا جهت‌گیری‌های تند شورا را علیه ایران تعدیل کند. مخالفت عمان با تشکیل ناتوی عربی که در نشست منامه در آذر ۹۲ مطرح شد و کشورهای گروه خلیج فارس را ملزم می‌کرد با یکدیگر علیه تهدیدات موجود متحد شوند، باعث شد تا جر و بحثی میان وزرای خارجه عربستان و عمان شکل بگیرد. روزنامه *القدس/العربی*، مشاجره در نشست امنیتی منامه را به آتش اختلاف میان این کشورها تشبیه کرد. مخالفت عمان با این طرح باعث ناراحتی بقیه کشورهای عرب شد. مسئله دیگر که این کشورها را عصبانی کرد، میانجیگری عمان در مذاکرات بین آمریکا و ایران است. این مذاکرات البته سری بوده، تا اینکه جان کری اعلام کرد این مذاکرات یک سال ادامه داشته است. دستاورد این مذاکرات توافق ژنو ۳ میان ایران و ۵+۱ بوده است. (پایگاه خبری تعامل، ۱۳۹۳/۱/۱۸)

پادشاه عمان سعی کرده در هر شرایطی روابط دوستانه خود را با ایران حفظ کند. در دور یازدهم

انتخابات ریاست جمهوری در ایران هم بعد از انتخاب آقای روحانی، سلطان قابوس اولین پادشاه و رییس حکومتی بود که به ایران سفر کرد تا همچنان جایگاه خود را در روابط با ایران حفظ کند.

### عوامل تاثیرگذار بر مناسبات ایران و عمان

- موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیک تنگه هرمز: یکی از عوامل مؤثر و پایدار در روابط ایران و عمان است. ایران در بخش شمالی و عمان در بخش جنوبی تنگه هرمز واقع شده‌اند. همین مسئله باعث شده که با وجود تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی ما شاهد ادامه روابط دوستانه بین دو کشور باشیم. این مسئله شاید از این امر ناشی شود که بین حفظ امنیت دو کشور و حفظ امنیت تنگه هرمز ارتباط تنگاتنگی برخوردار است. حقیقت رابطه بین ایران و عمان این است که هرچه تغییر کند، عامل جغرافیا تغییر نمی‌کند. نزدیکی جغرافیایی به ایران در تنگه هرمز، دورافتادگی جغرافیایی عمان از جهان عرب و اهمیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیکی تنگه هرمز، ایران و عمان را ملزم به داشتن روابط حسنه با یکدیگر کرده است. بر همین اساس با وجودی که عمان روابط دوستانه‌ای با آمریکا دارد و روابط خود را با اسرائیل نیز گسترش داده، اما این امر در روابط دوستانه ایران با آن کشور تاثیری نداشته است. روابط ایران و عمان بیشتر از آنکه ناشی از ملاحظات سیاسی باشد، ناشی از ژئوپلیتیک تنگه هرمز است. چون دولت‌ها بخشی از سیاست‌گذاری‌های خود را با توجه به ملاحظات جغرافیایی انجام می‌دهند.

تنگه هرمز یکی از آبراهه‌های کلیدی دنیاست و روزانه تعداد زیادی نفت کش، نفت این منطقه را به چین، ژاپن، اروپا و آمریکا منتقل می‌کند. با توجه به اهمیت تنگه هرمز، طبق قراردادی که در ۱۹۷۴ بین دو دولت منعقد شد، مسئولیت دفاع از تنگه و نظارت بر تردد دریایی به‌طور مشترک برعهده دو کشور است.

- نزدیکی فرهنگی و تمدنی: تنگه هرمز راه ارتباطی بین ایران و عمان از گذشته‌های دور بوده است. این تنگه به علت فاصله کم گذرگاهی طبیعی برای مهاجرت ایرانیان به عمان بوده است. نیمی از مردم شبه‌جزیره مسندم یعنی بخش شمال عمان در تنگه هرمز، در اصل ایرانی هستند. طبق گزارش وزارت اطلاعات عمان این افراد در اصل بلوچ هستند.

تنگه هرمز همچنين گذرگاه انتقال فرهنگ و تمدن ايران زمين به عمان بوده است. ايرانيان در آنجا شهرهاي زيادي بنا کردند. کشاورزي را رونق دادند و سيستم آبياري قنات را در اين کشور ايجاد کردند که هنوز ادامه دارد. اين عوامل باعث شده تا بين مردم عمان و مردم استان‌هاي جنوبي و جنوب شرقي ايران شباهت‌هاي فرهنگي زيادي وجود داشته باشد، به طوري که مردم و تجار دو منطقه با هم مراودات و روابط تجاري فراگيري دارند.

- اقتصاد ايران و عمان: اقتصاد ايران و عمان با تنگه هرمز پيوند خورده است. به خصوص ايران که تنگه هرمز در حکم شاهرگ اقتصادي آن است. حدود ۸۰٪ تجارت خارجي ايران از طريق تنگه هرمز صورت مي‌گيرد. تمام نفت ايران از طريق تنگه هرمز صادر مي‌شود. ارتباط عمان با تنگه هرمز بيشتر به دليل مبادلات تجاري با ساير کشورهاي منطقه است و توجه عمان به اين تنگه بيشتر به دليل وجود منابع نفت و گاز است که برخي از آنها بين ايران و عمان مشترک است و بهره‌برداري از آنها بايد با همکاري دو کشور باشد. اين موضوع از جمله مسائلي است که باعث برقراري روابط نزديک بين دو کشور شده است.

### اهميت استراتژيکي تنگه هرمز براي دو کشور ايران و عمان

چون تنگه هرمز از تنگه‌هاي مهم دنيا و داراي اهميت استراتژيکي بالايي است، اين مسئله سبب افزايش اعتبار استراتژيکي ايران و عمان در سطح منطقه و جهان شده است. هر دو کشور با در اختيار داشتن سواحل شمالي و جنوبي آن کنترل تنگه را در اختيار دارند. وابستگي کشورهاي منطقه و صنعتي دنيا به اين تنگه باعث شده تا ايران و عمان در صحنه روابط بين‌الملل از نقش مهمي برخوردار شوند. البته ايران به دليل موقعيت برتر سياسي، نظامي، طول ساحل بيشتر، وسعت و جمعيت زياد و داشتن فضاي مناسب در ساحل شمالي تنگه براي گسترش و آرايش نيروي نظامي مدافع تنگه به همراه برخورداري از جزاير استراتژيک که تکیه‌گاه‌هاي دفاعي تنگه هستند، از موقعيت بهتري نسبت به عمان برخوردار است. (جعفري ولداني، ۱۳۸۹: ۴۳-۴۱)

همان طور که قبلا گفته شد، عمان کشوري اباضي مذهب است که از اين لحاظ با کشور وهابي عربستان چندان سنخيتي ندارد و هميشه درصدد بوده تا استقلال خود را از تندروي‌هاي مذهبي

عربستان حفظ کند. این مسئله نیز به همراه دیگر دلایل از جمله عوامل نزدیکی بیشتر عمان به ایران نسبت به عربستان بوده است.

### راه کارهای کاهش تاثیر ایران هراسی و تقویت اعتماد متقابل بین کشورهای منطقه

اگر ایران بخواهد در مقابل پروژه ایران هراسی موفق عمل کند، در وهله اول باید وحدت و هم دلی و انسجام داخلی خود را تقویت کند. اختلافات داخلی از اموری است که فرصت را برای بازیگران دیگر ایجاد می کند تا بتوانند اهداف خود را پیش ببرند. همان طور که گفته شد، از جمله مسائلی که باعث حضور بیگانگان در منطقه خلیج فارس و به طور کلی خاور میانه شد، ضعف حکومت مرکزی ایران بود. هر چند که بیگانگان ادامه حضور خود را در مقابله با قدرت یابی ایران می بینند، اما ایران باید تلاش کند تا با کنار گذاشتن اختلافات داخلی و استفاده از همه ظرفیت ها و استعدادها به قطبی نیرومند در منطقه تبدیل شود.

از دیگر ابزارهای مقابله با ایران هراسی، دیپلماسی عمومی است. دیپلماسی عمومی در اصطلاح به معنی تلاش های یک دولت برای اطلاع رسانی، ایجاد درک متقابل و تاثیر بر افکار عمومی ملت های دیگر می باشد که این امر از طریق روش هایی همچون تبادل علمی - دانشجویی، فرهنگی - ورزشی، به کارگیری رسانه های رادیویی، تلویزیونی و اینترنتی، خدمت رسانی و در نهایت انتشار کتب و مجلات است. از ابزارهای پرکاربردی که در پروژه ایران هراسی استفاده می شود، تبلیغات رسانه ای است. ایران هم در مقابل باید با ایجاد و گسترش رسانه های برون مرزی و ساخت برنامه های هدفمند، تبلیغات این رسانه ها را خنثی کند.

علاوه بر این، ایران باید با تأسیس کتابخانه ها و انتشار کتاب ها، مجلات و روزنامه ها در این کشورها سعی کند فرهنگ و سیاست ایران را به نحو شایسته ای به مردم معرفی کند که در این راستا نقش رایزنی های فرهنگی ایران بسیار مهم و قابل توجه است تا در کنار این فعالیت ها با برگزاری همایش ها و سخنرانی ها و انتشار جزوات آشنایی با فرهنگ و تاریخ ایرانی به زبان های مقصد، سعی نماید چهره واقعی ایران را به مردم آن کشور بشناساند. (راد، ۱۳۹۳)

به جز این فعالیت ها که بیشتر در حوزه فرهنگ مطرح است، در حوزه سیاسی و سیاست خارجی

هم ایران باید تلاش‌هایی را جهت تنش‌زدایی به انجام برساند؛ تنش‌زدایی با هدف تقویت دوستی‌ها و جنبه‌های اشتراک. سیاست تنش‌زدایی تمام جوامع را از خشونت و دشمنی به تحمل یکدیگر و همکاری متقابل فرا می‌خواند. در تنش‌زدایی باید موارد تنش که بین ایران و کشورهای منطقه است را کم کرد. چون ادامه تنش هیچ سودی برای دو طرف ندارد و ادامه آن تنها هزینه‌های زیادی را به دو طرف تحمیل می‌کند و باعث می‌شود در طول زمان توان هر دو کاهش یابد. برای کاهش تنش‌ها کشورها باید به مفاهمه و درک متقابل از مسائل و اوضاع دست یابند و این مفاهمه هم از طریق گفتگو، مذاکره و تلاش متقابل به دست می‌آید. گفتگو و مذاکره جریانی است که طرف‌های حاضر در آن سعی می‌کنند نقاط اشتراک و تفاوت دیدگاه‌های خود را بشناسند و در جهت رفع تعارضات و سوءتفاهمات تلاش کنند (ازغندی، ۱۳۸۱: ۳۱-۳۰)؛ یعنی به‌نوعی اعتمادسازی کنند.

با توجه به نقشی که اعتمادسازی می‌تواند در راستای تنش‌زدایی داشته باشد، باید در جهت تحقق این امر بسیار تلاش کرد. باید توجه داشت که عنصر جغرافیا تغییر نمی‌کند و کشورهای منطقه به ناچار باید با هم زندگی کنند. پس باید تلاش کرد که این زندگی به دور از کشمکش، جنگ و خون‌ریزی باشد. این امر هم با نزدیکی بیشتر کشورها و ایجاد جو اعتماد میان دولت‌هایی که تا به حال یکدیگر را دشمن هم می‌دانسته‌اند، امکان دارد. به‌خصوص در منطقه خلیج فارس کشورها باید به این باور برسند که اگر تفاهم و اعتماد جایگزین اختلاف و ستیز شود، منافع ملی آنها بیشتر به‌دست خواهد آمد. تجربه دو جنگ خسارت‌بار حمله عراق به ایران و حمله به کویت باید کشورهای منطقه را به این نتیجه برساند که دستیابی به منافع ملی از طریق اعتمادسازی و همکاری بیشتر به‌نفع همه آنهاست. بر این اساس باید بر نقاط اشتراک بین کشورها توجه داشت. از جمله نقاط اشتراک واقع شدن در یک موقعیت جغرافیایی، وابستگی به درآمدهای نفتی، اسلام دین رسمی مردم منطقه، اشتراک به‌عنوان کشورهای در حال توسعه، سهمیم بودن در خطرات زیست محیطی و ... می‌باشد.

علاوه بر این باید همه طرف‌ها به این درک برسند که هرچند اهمیت خلیج فارس در گذشته بیشتر به‌دلیل ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی بود، اما هم‌اکنون با تغییر شرایط دنیای کنونی، اهمیت خلیج فارس بیشتر به‌دلیل ژئواکونومیکی است. در دنیای کنونی اقتصاد و قدرت اقتصادی

تعیین‌کننده جایگاه کشورها در نظام بین‌الملل است. در این شرایط امنیت منطقه تنها از طریق نیروی نظامی و مسابقه تسلیحاتی تامین نمی‌شود، بلکه از طریق اقدامات اعتمادساز و توافقات و همکاری‌های متقابل و منطقه‌ای باید به نتیجه برسند. چون در سایه ادامه روابط خصمانه و بی‌اعتمادی حتی اگر طرف هیچ قصد و غرضی نداشته باشد، دیگران با دیده شک و غرض به حریف نگاه می‌کنند. هرچند منافع قدرت‌های خارجی در ادامه کشمکش و تنش در منطقه است، خود کشورها هم باید تلاش کنند عوامل و مسائلی که منجر به ادامه این رود می‌شود را برطرف کنند؛ از جمله اختلافات ارضی و مرزی. (ابراهیمی فر، ۱۳۸۱: ۱۰۹-۴۷)

روابط دو کشور ایران و عمان نمونه خوبی از ایجاد تفاهم و همکاری است. دو کشور با قبول واقعیت و در نظر گرفتن جغرافیا و هم‌مرزی دریایی به این نتیجه رسیده‌اند که منافع دو طرف تنها از طریق همکاری و اعتماد متقابل امکان‌پذیر است. ایران و عمان طبق قرارداد تحدید حدود فلات قاره در ۱۳۵۳ مرزهای خود را تعیین کرده و اختلاف مرزی با هم ندارند. عمان کشوری کوچک و از نظر نظامی ضعیف است. به‌همین دلیل می‌داند به‌تنهایی قادر به دفاع از خود در برابر دشمنان داخلی و خارجی نیست. همچنین به موقعیت برتر ایران در منطقه واقف است و سعی کرده تا همواره با خاطره حمایت ایران از حکومتش در جنبش ظفار روابط دوستانه خود را با ایران حفظ کند؛ که البته با توجه به موقعیت برتر ایران، عمان از این ارتباط منافع قابل توجهی هم به‌دست آورده است. در مقابل هم سعی کرده که در مقابل تندروری‌های برخی کشورها علیه ایران جلوگیری کند. همچنین در جهت تنش‌زدایی بین ایران، کشورهای منطقه، آمریکا و اروپا میانجی‌گری کند که مورد اخیر آن میانجی‌گری بین ایران و آمریکا در مذاکرات هسته‌ای بوده است.

ایران و عمان به‌دنبال ادامه همکاری‌های منطقه‌ای، چندین رزمایش مشترک دریایی را برگزار کرده‌اند. با توجه به اینکه از دیگر دلایل اصلی حضور بیگانگان در منطقه نبودن نیروی دریایی قوی بوده تا بتواند امنیت را در منطقه ایجاد کند، تلاش کشورها در این راستا می‌تواند بهانه دیگر آنها جهت حضور در منطقه را بگیرد. چون به‌رحال این کشورها به منابع انرژی منطقه نیاز دارند و باید از امنیت تامین انرژی خود احساس خطر نکنند.



## نتیجه‌گیری

ایران‌هراسی طرحی جهت دستیابی قدرتهای بزرگ به بهترین شکل به منافعشان در منطقه خاورمیانه است. قدرتهای بزرگ با پی‌گیری این سیاست همواره تلاش کرده‌اند با ترساندن کشورهای منطقه از ایران از قدرت گرفتن آن جلوگیری نمایند. آمریکا خود را قدرت برتر و بزرگ‌تر دنیا می‌داند و همیشه تلاش کرده است در مناطق مختلف دنیا از ظهور قدرتهای جدید که هژمونی آن را تهدید می‌کنند، جلوگیری کند. از مناطق بسیار مهم و راهبردی که از نظر اقتصادی هم به‌عنوان منبع عظیم انرژی است، خلیج فارس است. از بعد از جنگ جهانی دوم سیاست آمریکا همواره در این منطقه در جهتی بوده است که بتواند کنترل خود را بر منابع انرژی حفظ کند تا از آن طریق بتواند هم به این منابع برای صنعت خود دسترسی داشته باشد و هم رقبای خود مثل اروپا و ژاپن را کنترل نماید. به‌همین دلیل روابط ایران با این کشورها اغلب با چالش‌هایی مواجه بوده است. اما می‌توان با پی‌گیری راه‌کارهایی بر این امر غلبه کرد و با تکیه بر مشترکاتی که بین ایران و این کشورهاست، در جهت رفع سوءتفاهمات و دوستانه کردن روابط گام برداشت. با اعتمادسازی و رفع تنش‌ها بین این دولت‌ها حالت بی‌اعتمادی و احساس ترس از اقدامات طرف مقابل از بین می‌رود و با گسترش جو اعتماد و دوستی زمینه همکاری در زمینه‌های مختلف فراهم می‌شود.

برای تحقق این امر دولت‌ها باید به این نتیجه برسند که تامین امنیت منطقه با گسترش همکاری و روابط دوستانه با کشورهای همسایه و هم‌منطقه‌ای قطعاً بهتر و پایدارتر خواهد بود تا با تکیه بر قدرتهای بیگانه‌ای که در حلقه اول درصد تامین منافع خود هستند و چه‌بسا که از بودن تنش و درگیری در منطقه سود هم می‌برند. روابط ایران و عمان در منطقه می‌تواند به‌عنوان الگویی از روابط دوستانه بین دو کشور باشد که هر دو طرف از وجود رابطه دوستانه بین هم سود می‌برند.

**منابع و یادداشت‌ها:**

۱. ابراهیمی فر، طاهره (۱۳۸۱)، *الگوهای اعتمادسازی در منطقه خلیج فارس*، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۲. ازغندی، علیرضا (۱۳۸۱)، *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: نشر قومس.
۳. «ایران‌هراسی پروژه‌های طراحی شده از سوی دشمنان انقلاب اسلامی»، اسفند ۹۲، <http://www.zahra-media.ir/3fp%3p>
۴. جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۸۱)، *ژئوپلیتیک جدید دریای سرخ و خلیج فارس*، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۵. جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۸۴)، *نگاهی تاریخی به جزایر ایرانی تنب و ابوموسی*، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۶. جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۸۹)، «ژئوپلیتیک تنگه هرمز و روابط ایران و عمان»، *پژوهشنامه علوم سیاسی*، سال پنجم، شماره سوم.
۷. رضائی بونش، فرزاد (۱۳۹۳)، «تاریخچه روابط بین ایران و عمان»، مرکز مطالعات صلح، [Peace-ipsc-org/fa/](http://Peace-ipsc-org/fa/)
۸. شریعتی‌نیا، محسن (۱۳۹۳)، «ایران‌هراسی: دلایل و پیامدها»، پژوهشکده تحقیقات راهبردی.
۹. «شکل نوین ایران‌هراسی به سبک انگلیس»، *اسلام تایمز*، اسفند ۱۳۹۲، [www.islamtimes.org/vdchqmnx623nmid](http://www.islamtimes.org/vdchqmnx623nmid)
۱۰. عمان (۱۳۷۴)، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، نشر موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
۱۱. کامروا، مهران (۱۳۹۱)، *خاورمیانه معاصر*، مترجم: محمداقبر قالیباف و سید موسی پورموسی، تهران: نشر قومس.
۱۲. «گفتمان ایران‌هراسی از زمان صفویه شکل گرفته است»، <http://www.isrjournals.ir/fa/iran-foreign-policy-farsi/102>
۱۳. مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۲)، *کشورها و مرزها در منطقه ژئوپلیتیک خلیج فارس*، مترجم: حمیدرضا ملک محمدی نوری، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۱۴. «مناقشه عربستان و عمان بر سر ایران»، پایگاه خبری تحلیلی تعامل، فروردین ۱۳۹۳، [www.taamolnews.ir/fa/news](http://www.taamolnews.ir/fa/news)